# لباس مصلی

**جلسه 1-225**

**سه‌شنبه – 06/06/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

## شرط اول: طهارت ساتر

اصل این بحث در کتاب طهارت بحث شده است.

عدم شرطیت طهارت در محمول مصلی

صاحب عروه: طهارت محمول در نماز شرط است.

استاد: طهارت محمول در نماز شرط نیست. چون با توجه به این‌که نفس صلات ظرف ندارد بنابراین مراد از "لاتصل فی النجس" لاتصل و انت فی النجس است و این شامل کسی که محمولش نجس است نمی‌شود.

## شرط دوم: اباحه

صاحب عروه:

مباح بودن لباس مصلی شرط است بدون فرق بین ساتر و غیر ساتر و بدون فرق بین محمول و غیر محمول. البته اگر حرکات مصلی علت تامه تکان خوردن محمول نیست، غصبی بودن آن اشکال ندارد.

اگر مصلی جاهل به شرطیت اباحه باشد نمازش در لباس غصبی باطل است اما اگر جاهل به حرمت یا جاهل به غصبیت باشد یا غصبیت را فراموش کرده باشد، نمازش صحیح است. البته در فرض جهل به حرمت احتیاط مستحب بطلان نماز است.

دلیل اول: اجماع

ادعا شده است که اجماع فقهاء بر این شرط است. این اجماع، در ناصریات، غنیه و کتب علامه ذکر شده است.

جواب اول: عدم تحقق اجماع

این اجماع ثابت نیست بخاطر این‌که کلینی در کافی جلد 6 از فضل بن شاذان عبارتی نقل کرده و ظاهرش این است که مطالب او را قبول کرده. می‌‌گوید:

وَ كَذَلِكَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَصَبَ ثَوْباً أَوْ أَخَذَهُ وَ لَبِسَهُ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَصَلَّى فِيهِ لَكَانَتْ صَلَاتُهُ جَائِزَةً وَ كَانَ عَاصِياً فِي لُبْسِهِ ذَلِكَ الثَّوْبَ لِأَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ مِنْ شَرَائِطِ الصَّلَاةِ لِأَنَّهُ مَنْهِيٌّ عَنْ ذَلِكَ صَلَّى أَوْ لَمْ يُصَلِّ.

جواب دوم: این اجماع مدرکی یا محتمل المدرکی است

این اجماع بر فرض محقق باشد مدرکی یا محتمل المدرک است بخاطر استدلال خود سید مرتضی در ناصریات و شیخ طوسی در کتاب خلاف.

دلیل اول: مانحن‌فیه مجرای قاعده اشتغال است. بنابراین برای برائت یقینی باید لباس مباح باشد.

استاد: اولا: اطلاق لفظی، احتمال شرطیت اباحه را نفی می‌کند. ثانیا: بر فرض نوبت به اصلی عملی برسد، قاعده در اقل و اکثر ارتباطی، برائت است نه بر اشتغال.

دلیل دوم: غصب قبیح است و قصد قربت با ارتکاب قبیح منافات دارد. بنابراین قصد قربت از لابس ثوب غصبی متمشی نمی‌شود.

استاد: این یک استدلال عقلی است اما عرفا ترکیب، انضمامی است یعنی مصلی غاصب، تقرب به این فعل قبیحش نمی‌کند. چون ذات شرط تلبس، یک فعل است و نماز فعل دیگری است. و با توجه به این‌که این یک شرط توصلی است بنابراین مصداق حرام بودن آن، ضرری به صحت نماز نمی‌زند.

تنبیه: اگر احراز کنیم که مستند فقهاء، ارتکاز متشرعه است خوب بود اما با این استدلال‌ها این ارتکاز را احراز نمی‌کنیم.

دلیل دوم: روایت وصیت حضرت به کمیل: نماز در مغصوب قبول نیست

دلیل دوم روایتی است که در تحف العقول نقل می‌کند:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلٍ قَالَ: يَا كُمَيْلُ انْظُرْ فِي مَا تُصَلِّي وَ عَلَى مَا تُصَلِّي إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَ حِلِّهِ فَلَا قَبُولَ.

جواب اول: روایت مرسله است

مرحوم آقای خوئی دو اشکال کرده: یک اشکال سندی که این حدیث در تحف العقول مرسل هست.

ان قلت: مرحوم حرانی در اول کتاب تحف العقول می‌‌گوید:

فتأملوا معاشر شيعة المؤمنين‏ ... و تلقوا ما نقله الثقات عن السادات بالسمع و الطاعة و الانتهاء إليه.‏

 با توجه به این‌که ایشان ‌راجع به کتابش دارد صحبت می‌‌کند بنابراین روایات تحف العقول معتبر است.

قلت: این فی الجملة می‌‌فهماند که در تحف العقول ثقاتی بودند که از ائمه احادیث نقل کردند اما ثابت نمی‌کند که همه احادیث تحف العقول را ثقات نقل کردند. ایشان در مقام بیان این است که ‌ای شیعه‌ها مثل عامه نباشید که احادیث را شنیدند و عمل نکردند، شما احادیثی را که ثقات نقل می‌‌کنند از ائمه می‌‌شنوید عمل هم بکنید.

جواب دوم: عدم قبول اعم از عدم صحت است

اشکال دلالی که آقای خوئی کردند این است که فرمودند: عدم قبول اعم است از عدم صحت.

استاد: این اشکال درست است، هیچ ظهوری عدم قبول در حکم به بطلان ندارد. بالاخره مولی دو مقام دارد: یکی مقام ثواب دادن، یکی مقام تصحیح عمل.

دلیل سوم: مرسله صدوق: انفاق منهی‌عنه در ماموربه موجب عدم قبولی ماموربه است

دلیل سوم روایتی است که صدوق به عنوان مرسله نقل کرده ولی در کافی مسند نقل کرده.

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَخَذُوا مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا نَهَاهُمُ اللَّهُ عَنْهُ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَخَذُوا مَا نَهَاهُمُ اللَّهُ عَنْهُ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوهُ مِنْ حَقٍّ وَ يُنْفِقُوهُ فِي حَقٍّ.

نماز در لباس غصبی مشمول اخذ منهی‌عنه و انفاق آن در ماموربه است و این نماز قبول نیست.

جواب اول: روایت مرسله است

این حدیث سندا مشکل دارد چون حدیث صدوق مرسل است، حدیث کافی هم مشتمل است بر محمد بن سنان.

جواب دوم: عدم قبول با ثواب ندادن هم می‌سازد

‌همچنین این حدیث به لحاظ دلالت هم مشکل دارد چون در روایت فرمود: ما قبله منهم. عرض شد که ‌عدم القبول با ثواب ندادن هم می‌‌سازد.

جواب سوم: انفاق بر صلات در مغصوب صادق نیست

و اشکال متنی دیگر این است که "فانفقوه فی ما أمرهم الله به" یعنی انسان با یک فعل حرام قصد تقرب به خدا بکند و این تعبیر قطعا شامل غیر ساتر مغصوب نیست. و همین‌طور ظاهرش این است که شامل ساتر مغصوب هم نشود.